

نویسنده: سی جی پولی کرونیو «C.J.Polychroniou» .
منبع و تاریخ نشر: کمان دریم «2025-03-11» .
برگردان: پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل» .



عکاسی توسط میخایل نگرو

یک معترض در خارج از نمایشگاه تسلا در منهتن تابلویی را در دست دارد که روی آن نوشته شده است: "فعالاً فاشیسم را مسدود کنید". اعتراضات خارج از شرکت‌های تسلا در سراسر کشور به عنوان پاسخی مستقیم به هدف قرار دادن آژانس‌ها توسط دولت ترامپ و کاهش نیروی کار فدرال به رهبری ایلان ماسک، همچنان در حال افزایش است.

رعایت ادب در برابر فاشیسم مانند امضای حکم اعدام خود است

*Practicing Civility in the Face of Fascism Is Like Signing
One's Own Death Warrant*

فرد با فاشیسم رو در رو و بر اساس همبستگی و از موضع
قدرت مقابله می‌کند.

One confronts fascism head-on and based on solidarity and from a position of strength.

ایالات متحده کشوری با سابقه طولانی خشونت و ظلم علیه مردم فقیر، زنان و اقلیت ها است. و با تعمیم، با اقتدارگرایی. این واقعیت که ریاست جمهوری ترامپ امروز تهدید بیدی اساسی برای دموکراسی و پیشرفت اجتماعی است، یک پدیده بی سابقه در تاریخ ایالات متحده نیست. بسیاری از روسای جمهور ایالات متحده با رویکردهای ضد دموکراتیک وجود داشته اند، در حالی که می توان یک مورد قوی را بیان کرد که حکومت اقلیت در اداره کشور به جای استثنا قاعده بوده است.

در واقع، در بیشتر موارد، الیگارشی همیشه در سیاست و اقتصاد ایالات متحده دست بالا را داشته است. به هر حال، این ملتی است که بر پایه استعمار شهرک نشینان و حذف بومیان بنا شد و بر برده داری به عنوان موتور رشد اقتصادی تکیه کرد در حالی که هرگز نتوانست از ریشه های نژادپرستانه خود خلاص شود. به همین ترتیب، مقاومت مردم برده و مبارزات برای رهایی و جنبش هایی که برای حقوق مدنی و اجتماعی مبارزه می کنند، مسیر تاریخ ایالات متحده را نیز شکل داده است. اما تاریخ یک پیشرفت خطی نیست. هر بار که پیشرفت اجتماعی حاصل می شد، نیروهای ارتجاع نقشه می کشیدند تا ساعت را به عقب برگردانند. این بدیهی ترین هدف پدیده ترامپ و جنبش ها و احزاب راست افراطی است که در سرتاسر جهان موج می زند، اکنون با حمایت ثروتمندترین فرد جهان، ایلان ماسک، دوست نازی ترامپ.

در این مرحله، سوال کلیدی این است: برای شکست افراط گرایی راست چه می توان کرد؟ در ایالات متحده، دفاع از ارزش های دموکراتیک و حقوق مردم از سیاست نفوفاشیستی ترامپ، به ویژه با بازگشت برتری سفیدپوستان به جریان اصلی سیاست، فلسفه مقاومت و شورش باید عمده خارج از محدوده تشکیلات سیاسی لیبرال عمل کند. کاملاً واضح است که حزب دموکرات در مبارزه با ترامپ ناتوان است. مشاهده دموکرات های کنگره در سخنرانی مشترک ترامپ در کنگره که نشانه های کوچک رقت انگیزی در دست دارند و به رنگ صورتی به عنوان نشانه های اعتراض ظاهر می شوند، باید گویای شکست ویرانگر حزب دموکرات در متوقف کردن ظهور ترامپیسم باشد، چه رسد به اینکه اکنون استراتژی مبارزه علیه پیشوا را ارائه کند.

سوال کلیدی این است: برای شکست افراط گرایی دست راستی چه می توان کرد؟

بدیهی است که امروزه در ایالات متحده به سبک جدیدی از کنش سیاسی نیاز است. موازنه قدرت قانونی به طور چشمگیری به سمت نخبگانی تغییر کرده است که ویژگی آن ادغام ثروت و قدرت در نظام سیاسی است که مقاومت ساده به تنهایی کافی نیست. آنچه حتی فراتر از استراتژی ها و تاکتیک های ضد فاشیسم مورد نیاز است، اتخاذ راه های

جدید برای دموکراسی و شهروندی است. در واقع، سازماندهی ضد فاشیستی تنها زمانی مفید است که در درون خود دیدی از نظم بدیل پسا سرمایه داری داشته باشد، زیرا فاشیسم همیشه واکنشی به بحران های سرمایه داری بوده است. به هر حال، فاشیسم با منطق یا اصول سرمایه داری مخالف نیست. همان طور که سمیر امین، نظریه پرداز مارکسیست فقید، به درستی اشاره کرد، فاشیسم همیشه یک روش خاص برای «مدیریت سرمایه داری» بوده است.

اول، در مبارزه با فاشیسم، مفهوم دموکراسی باید فراتر از انتخابات بازاندیشی شود و به نوبه خود با خودگردانی و ایده های جسورانه برای بازسازی اقتصاد شناسایی شود. حزب دموکرات در 30 سال گذشته نشان داده است که به سادگی قادر به انجام این مأموریت نیست، زیرا خود محصول جانبی سیستمی است که در آن عده معدودی شرایطی را تعیین می کنند که اقتصاد و جامعه به طور کلی تحت آن عمل می کنند. این تصور که تعداد کمی از مقامات منتخب مترقی می توانند حزب را به شیوه ای رادیکال به چپ متمایل کنند، یک خیال دموکراتیک است.

چپ باید با طرز فکر مصالحه سیاسی که مشخصه حزب دمکرات است، فاصله بگیرد. ما به دموکراسی اقتصادی نیاز داریم - نهادها، سازمان ها و رویه هایی که از گرایش های مخرب و الیگارشی نظام کنونی جدا شده و به نوبه خود در جهت رفع نیازهای کارگران، که ستون فقرات اقتصاد هستند، تنظیم شوند. دموکراسی اقتصادی با از بین بردن قدرت شرکتی شروع می شود و تقریباً به هر بخش از اقتصاد - از محل کار گرفته تا مسکن و از بهداشت و درمان تا آموزش گسترش می یابد. مالکیت عمومی برای ایده دموکراسی اقتصادی به عنوان راهی برای تغییر رویه های اقتصادی کلیدی است. از این رو، ما در مورد ایجاد یک پروژه دموکراسی اقتصادی رادیکال صحبت می کنیم که می تواند عقلانیت اقتصادی سرمایه و تصاحب خصوصی کار، زمین و طبیعت را به چالش بکشد.

همکاری با تشکیلات سیاسی لیبرال برای به انجام رساندن این مأموریت یک فانتزی دموکراتیک دیگر است. در واقع، ترقی خواهانی که نه تنها مشتاق مقاومت ضد ترامپ هستند، بلکه مایل به پذیرش آلترناتیو پسا سرمایه داری برای الیگارشی هستند، باید صدای خود را به هر طریق ممکن و با اجازه دادن به نمایندگان منتخب خود به گوش مردم برسانند که در حالی که حزب جمهوری خواه را به خاطر آنچه که طرفدار آن است و آنچه که در زمان ترامپ-ماسک با کشور انجام می دهد، تحقیر می کنند، اما وقتی به دموکرات ها و دموکراتها حق بیشتری می دهند اعتماد نمی کنند. نظم اجتماعی-اقتصادی آنها باید به آنها بفهمانند که دموکراسی بسیار فراتر از انتخابات است و مطمئناً در خدمت منافع خاص نیست. این در مورد دادن قدرت سیاسی به شهروندان عادی است.

به همین ترتیب، پروژه دموکراسی اقتصادی، مفهوم سازی مجدد شهروندی را الزامی می کند. مفهوم شهروندی تقابلی در این دوران تاریک اهمیت ویژه ای دارد زیرا تأکید می

کند که تغییرات سیاسی نتیجه تقابل است نه سازش. آل گرین، یک نماینده دموکرات کنگره از تگزاس، با طغیان خود در طول سخنرانی ترامپ در کنگره، به عنوان یک مقام منتخب، شهروندی متخاصم را تمرین کرد. به همین دلیل، او به زور از مجلس نمایندگان اخراج شد، در حالی که همکاران دموکرات او ترجیح دادند «مدنی» را نسبت به پیشوا نشان دهند. در نهایت، نماینده گرین توسط همکارانش به دلیل فقدان «مدنیت» مورد انتقاد قرار گرفت و 10 دموکرات به همه جمهوری خواهان پیوستند.

دموکراسی بسیار فراتر از انتخابات است و مطمئناً در خدمت منافع خاص نیست. این در مورد دادن قدرت سیاسی به شهروندان عادی است.

با فاشیسم به عنوان یک نوع اعتراض، با وسایلی که می‌خواهند مبارزه نمی‌کنند. یا جنگها و تهاجمات ناعادلانه با رهاسازی کبوترها. رفتار متمدنانه نسبت به فاشیسم مانند امضای مرگ خود است. فرد با فاشیسم در رو و بر اساس همبستگی و از موضع قدرت مقابله می‌کند. بله، مقابله با فاشیسم نیازمند شجاعت است و نه نگرانی در مورد اینکه آیا نام کسی قرار است در فهرست «چپ‌های رادیکال» توسط یک دیده‌بان ارتجاعی قرار گیرد یا خیر.

در مجموع، یک چشم انداز دگرگون کننده برای جهانی فراتر از سرمایه داری باید جزء جدایی ناپذیر مبارزه با سیاست های ترامپ باشد. چپ باید با طرز فکر مصالحه سیاسی که مشخصه حزب دموکرات است، فاصله بگیرد. ظهور ترامپسیسم نه صرفاً بر اساس دروغ و تبلیغات، بلکه مبتنی بر استفاده استراتژیک از سیاست رویارویی و با به تصویر کشیدن آنچه واقعاً در میدان اتفاق می‌افتد بود. در این زمینه، تصویرسازی مجدد دموکراسی و اختراع مجدد شهروندی می‌تواند ابزار قدرتمندی در مبارزه با حمله ترامپ به جامعه مدنی و دیدگاه او از دنیای سگ‌خوار باشد.

سطری چند در مورد نویسنده این مقاله:

سی جی پلی کرونیو سی جی پلی کرونیو یک اقتصاددان سیاسی / دانشمند علوم سیاسی است که در دانشگاه ها و مراکز تحقیقاتی متعددی در اروپا و ایالات متحده تدریس و کار آخرین کتاب‌های او پرتگاه: نئولیبرالیسم، همه‌گیری و نیاز فوری برای تغییر کرده است (مجموعه‌ای از مصاحبه‌ها با نوام چامسکی؛ کتاب‌های های مارکت، 2021) و هستند (، Verso2021) اقتصاد و چپ: مصاحبه‌هایی با اقتصاددانان مترقی

اقتدارگرایی حزب دموکراتیکدونالد ترومپکونومی فاشیسم

ما به موسسات، سازمان‌ها و شیوه‌هایی نیاز داریم که از گرایش‌های مخرب و الیگارشی نظام کنونی جدا شوند و به نوبه خود در جهت برآوردن نیازهای کارگران، که ستون فقرات اقتصاد هستند، تنظیم شوند. دموکراسی اقتصادی با از بین بردن قدرت شرکتی شروع می‌شود.

شود و تقریباً به هر بخش از اقتصاد - از محل کار گرفته تا مسکن و از بهداشت و درمان تا آموزش گسترش می‌یابد. مالکیت عمومی برای ایده دموکراسی اقتصادی به عنوان راهی برای تغییر رویه های اقتصادی کلیدی است. از این رو، مادر مورد ایجاد یک پروژه دموکراسی اقتصادی رادیکال صحبت می‌کنیم که می‌تواند عقلانیت اقتصادی سرمایه و تصاحب خصوصی کار، زمین و طبیعت را به چالش بکشد. همکاری با تشکیلات سیاسی لیبرال برای به انجام رساندن این مأموریت یک فانتزی دموکراتیک دیگر است. در واقع، ترقی خواهانی که نه تنها مشتاق مقاومت ضد ترامپ هستند، بلکه مایل به پذیرش آلترناتیو پسا سرمایه داری برای الیگارشی هستند، باید صدای خود را به هر طریق ممکن و با اجازه دادن به نمایندگان منتخب خود به گوش مردم برسانند که در حالی که حزب جمهوری خواه را به خاطر آنچه که طرفدار آن است و آنچه که در زمان ترامپ-ماسک با کشور انجام می‌دهد، تحقیر می‌کنند، اما وقتی به دموکرات ها و دموکرات ها حق بیشتری می‌دهند اعتماد نمی‌کنند. نظم اجتماعی-اقتصادی آنها باید به آنها بفهماند که دموکراسی بسیار فراتر از انتخابات است و مطمئناً در خدمت منافع خاص نیست. این در مورد دادن قدرت سیاسی به شهروندان عادی است. در مجموع، یک چشم انداز دگرگون کننده برای جهانی فراتر از سرمایه داری باید جزء جدایی ناپذیر مبارزه با سیاست های ترامپ باشد. چپ باید با طرز فکر مصالحه سیاسی که مشخصه حزب دموکرات است، فاصله بگیرد. ظهور ترامپیسم نه صرفاً بر اساس دروغ و تبلیغات، بلکه مبتنی بر استفاده استراتژیک از سیاست رویا رویی و با به تصویر کشیدن آنچه واقعاً در میدان اتفاق می‌افتد بود. در این زمینه، تصویرسازی مجدد دموکراسی و اختراع مجدد شهروندی می‌تواند ابزار قدرتمندی در مبارزه با حمله ترامپ به جامعه مدنی و دیدگاه او از دنیای سگ خوار باشد

----- **با تقدیم احترام** «2025-03-25»